



Iran's Participatory Criminal Policy on Reducing Sports Offenses and Violations

Omid Safari*

Assistant Professor, Department of Physical Education and Sports Sciences, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Noorabad Mamasani Branch, Noorabad Mamasani
omidsafari11@yahoo.com

Arsalan Kosha

Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Noorabad Mamasani Branch, Noorabad Mamasani
kosha@yahoo.com

Abolfazl Alizade

Master's Degree in Law, Department of Law, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Noorabad Mamasani Branch, Noorabad Mamasani
alizade@yahoo.com

Abstract

Sport has long been regarded as one of the most fundamental tools of education in promoting the physical, mental and psychological health of individuals in the community, and has influenced institutions in every country to use it as a tool for public guidance and to help citizens align. This study is a descriptive-analytical study, based on the nature and method of work, the data of which is gathered through credible scientifically based documents. By examining and studying the role of Iran's participatory criminal policy in reducing sports offenses and violations, the study shows that participatory criminal policy is a criminal policy with the participation of civil society that can control and reduce sport offenses and crimes by involving people as one of the important potentials in society. One of the effective strategies to enhance the role of people and their participation is to familiarize the public with the goals and principles of participatory criminal policy on how to reduce sports offenses by engaging with the mass media to eliminate the cultural weakness in the development of participation.

Keywords: criminal policy, collaborative criminal policy, non-governmental organizations, sport offenses and crimes, sport

Received: 13/November/2021

Accepted: 17/January/2022
ISSN: 2783-3631

* Corresponding Author: omidsafari11@yahoo.com

سیاست جنایی مشارکتی ایران در زمینه‌ی کاهش جرائم و تخلفات ورزشی

استادیار گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نورآباد
ممسنی، نورآباد ممسنی
omidsafari11@yahoo.com

امید صفری*

استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نورآباد ممسنی، نورآباد ممسنی
kosha@yahoo.com

ارسلان کوشا

کارشناسی ارشد گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نورآباد ممسنی، نورآباد
ممسنی
alizade@yahoo.com

ابوالفضل عالی‌زاده

چکیده

ورزش از دیرباز تاکنون به عنوان اساسی‌ترین ابزار تربیت در ارتقای سطح سلامت جسمانی، روحی و روانی افراد جامعه مطرح بوده و نهادهای اثرگذار در هر کشوری را بدان وا داشته تا از آن به عنوان ابزار هدایت عامه بهره گیرند و به کمک آن شهروندان همترازی داشته باشند. این پژوهش با توجه به ماهیت و روش انجام کار، توصیفی-تحلیلی می‌باشد که اطلاعات آن به شیوه‌ی اسنادی مبتنی بر منابع معتبر علمی گردآوری شده است و با بررسی و مطالعه‌ی نقش سیاست جنایی مشارکتی ایران در زمینه‌ی کاهش جرائم و تخلفات ورزشی نشان می‌دهد که سیاست جنایی مشارکتی یک سیاست جنایی همراه با مشارکت جامعه‌ی مدنی است که با مشارکت دادن مردم به عنوان یکی از پتانسیل‌های مهم در جامعه می‌تواند جرایم و تخلفات ورزشی را کنترل و کاهش دهد. از جمله راهکارهای موثر در تقویت نقش‌پذیری و مشارکت مردم، آشناسازی بیشتر افراد جامعه با اهداف و مبانی اصولی سیاست جنایی مشارکتی در چگونگی کاهش جرایم و تخلفات ورزشی از طریق تعامل با رسانه‌های جمعی می‌باشد تا منجر به از بین رفتن ضعف فرهنگی موجود در توسعه مشارکت‌پذیری شود.

کلیدواژه‌ها: سیاست جنایی، سیاست جنایی مشارکتی، سازمان مردم‌نهاد، جرایم و تخلفات ورزشی، ورزش.

مقدمه

امروزه پدیده‌ی ورزش به عنوان ضرورتی انکارناپذیر و یک نیاز اساسی و زیر بنایی، به طور چشمگیری مورد توجه همگان قرار گرفته است (دارابی، مهری و همکاران، ۱۳۸۸). و به عنوان یک ابزار چند بعدی با تاثیرات گسترده، جایگاه و نقش خود را در اقتصاد، سلامتی افراد، گذراندن اوقات فراغت سالم و لذت بخش، روابط اجتماعی، پیشگیری از مفاسد اجتماعی و انحرافات اخلاقی رو به گسترش در جامعه و کاربردهای عدیده‌ی دیگر متجلی ساخته است (حمیدی، ۱۳۹۵). بدون تردید در عصر کنونی ورزش به عنوان یک واقعیت اجتماعی با پدیده‌های اجتماعی دیگر، روابط متقابل برقرار می‌کند و دولت‌ها سعی دارند که از طریق برگزاری رویدادهای مختلف ورزشی در سطح داخلی و بین‌المللی، فکر و ذهن میلیون‌ها علاقه‌مند را به ورزش اختصاص دهند و از طریق آن بسیاری از جرایم و تخلفات موجود در بین جوانان و نوجوانان را کنترل نمایند. البته برگزاری رویدادهای مختلف ورزشی قوانین، مقررات و آیین‌نامه‌های خاص خود را دارد و ورزشکاران بر اساس آن‌ها برنامه‌های خود را به نمایش می‌گذارند و ممکن است که در اجرای این گونه از برنامه‌ها جرایم و تخلفاتی هم صورت گیرد. از آن‌جا که پدیده‌ی جرم و بزهکاری یک مشکل اجتماعی است که با سایر پدیده‌ها در ارتباط است و با توجه به فواید ارزشمند و اهداف ورزش که عنوان شد، مشخص می‌شود که ورزش و تربیت بدنی در کاهش بزهکاری، اثرات قابل توجهی داشته و دارد. همچنین ورزش در کاهش ناسازگاری جوانان موثر بوده و باعث کاهش فشارهای روانی آنان می‌شود. افراد از طریق مشارکت در فعالیت‌های حرکتی از نظر ذهنی، جسمی و روانی تعادل لازم را کسب می‌نمایند و توانایی مقابله با مشکلات و فشارهای ناشی از زندگی مدرن را بدست خواهند آورد و همانطور که مشخص شده است، جرم نتیجه جمع جبری عوامل موثر در بزهکاری است که تحت تاثیر تعارضات گوناگون و مناقشات روانی و فشار بر نقاط ضعف شخصیت افراد و عدم توانایی مقاومت در برابر فشارهای مزبور و بهم خوردن موازنه روانی ارگانیزم، در شرایط خاص اتفاق می‌افتد (آقایی‌نیا، ۱۳۹۶).

امروزه ورزش به عنوان یک امر مهم در زندگی افراد جامعه و در جهت بالا بردن سطح سلامت جسمانی، روحی و روانی آنان مطرح شده است و از دیرباز با روش‌های سنتی و ابتدایی و در حال حاضر به شکل پیشرفته و مدرن توانسته جایگاه و نقش مهمی در بهبود وضعیت جوامع انسانی پیدا کند (مددی، ۱۳۸۵). انجام ورزش و کلیه‌ی فعالیت‌های مرتبط با آن، مستلزم صرف هزینه‌ها و همچنین امکانات بسیار زیادی برای متولیان اجرایی آن دارد و هر ساله دولت‌ها بودجه کلانی را برای توسعه و مشارکت نهادهای مختلف در جهت اجرای صحیح قوانین، دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های انضباطی صرف می‌نمایند تا ضمن ترویج ورزش‌های همگانی با آداب و فرهنگ صحیح اسلامی به گونه‌ای از بروز هرگونه کج رفتاری‌ها، خشونت‌ها و جرایم احتمالی در ورزش جلوگیری نمایند. وجود قوانین و مقررات وضع شده در حوزه ورزش، نشان از اهمیت ارزنده و جایگاه حساس آن در رشد و شکوفایی جامعه انسانی است. بدون شک محیط‌های مربوط به انجام فعالیت‌های ورزشی و حرفه‌ای، عاری از هرگونه آسیب‌پذیری، بروز حوادث و تخلفات احتمالی ورزشی نبوده و رفتار و عملکرد ورزشکاران، تماشاگران و همچنین هریک از افراد حاضر در حوزه ورزش می‌تواند در نوع خود به گونه‌ای باشد که قوانین و مقررات را زیر پا گذاشته و بستر ایجاد جرایم را فراهم نمایند بر همین اساس الزامات قانونی، وضع مجازات‌های بازدارنده مرتبط به نوع تخلفات و جرایم ارتكابی از سوی متخلفین یا مجرمین می‌باشد تا به دنبال آن به یک ثبات، آرامش و احساس امنیت در میدانی ورزشی دست یافت (عظیمی، ۱۳۹۷). در حال حاضر از دیدگاه سیاست جنایی کشور انجام هرگونه حرکات و اقدامات مغایر با موازین شرعی و نقض مقررات ورزشی در میدانی چه از سوی ورزشکاران و چه از سوی تماشاگران به دلیل این که می‌تواند باعث آسیب‌هایی مانند نقص عضو و حتی مرگ افراد ورزشی و یا غیر ورزشی شود جرم شناخته شده و می‌بایست

مورد پیگیری قضایی و قانونی قرار گیرد. لذا در این مطالعه سعی بر آن است تا به بررسی سیاست جنایی مشارکتی ایران در زمینه‌ی کاهش جرایم و تخلفات ورزشی پرداخته و بر اساس آن مشخص گردد آیا در سیاست جنایی کشور ما نقض مقررات ورزشی به عنوان علل موجهی جرم شناخته شده است یا این که صرفاً یک نوع خطا و تخلف انضباطی محسوب می‌شود و همچنین از دیدگاه سیاست جنایی کشور ورزش و تربیت بدنی در پیشگیری، جرم‌زدایی و کاهش جرایم اجتماعی نقش موثری ایفا می‌کند؟ آیا نقش مشارکتی سیاست‌گذاران، مدیران ارشد و مردم در حوزه‌ی ورزش جهت کاهش جرایم و تخلفات ورزشی موثر است و آیا مشارکت رسانه‌ها در پیشگیری و کاهش جرایم ورزشی موثر بوده است، یا این که به صورت دوگانه باعث افزایش وقوع جرم شده‌اند؟ که در ادامه سعی گردیده به تمامی سؤالات مطرح شده به صورت جامع پاسخ داده شود.

روش تحقیق

این پژوهش با توجه به ماهیت و روش انجام کار، توصیفی-تحلیلی می‌باشد که اطلاعات آن به شیوه‌ی اسنادی مبتنی بر منابع معتبر علمی گردآوری شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به این که نتایج بررسی‌ها و مطالب ارائه شده در پژوهش باید منتهی به تحلیل مطالب و پاسخ دهی به سؤالات پژوهش و تعیین تکلیف فرضیه‌ها شود لذا در این قسمت به صورت موردی در هر مبحث به تحلیل مباحث مرتبط با سؤالات و فرضیات پژوهش پرداخته شده است:

برای بررسی نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشگیری و کاهش جرایم و تخلفات ورزشی می‌توان با توجه به مطالعات انجام شده بیان کرد که سازمان‌های مردم‌نهاد ظرفیت‌های بسیاری دارند، این گونه نهادها با به صحنه آوردن مردم در زمینه‌های مختلف، دولت را در پیشبرد اهداف خود کمک می‌کنند، و معمولاً چون از بودجه دولتی استفاده نمی‌نمایند، هزینه‌ای برای دولت به بار نمی‌آورند و حتی در بسیاری از موارد کاستی‌های دولت و عملکرد ضعیف آن را پوشش می‌دهند. این سازمان‌ها هر چند در کشورهای مختلف و بر اساس قوانین داخلی آن کشورها ایجاد می‌شوند، اما با همه تفاوت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی که بین جوامع وجود دارد، همه این سازمان‌ها به عنوان نهادهایی خود محور و مردمی دارای ارزش‌ها و اهداف مشترک هستند که مهم‌ترین آن‌ها حمایت از حقوق بشر و فرد بشر در هر جای دنیاست. البته در بسیاری از موارد به دلیل دخالت‌ها و کارشکنی‌های دولت عملکرد این گونه سازمان‌ها با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌شود که به این کارشکنی‌ها باید مواردی چون عدم بودجه کافی و عدم هماهنگی و همکاری اعضا و همچنین بی‌تجربگی اعضای آن‌ها را نیز اضافه کرد.

در بسیاری از موارد، اجتماعی بودن پدیده جرم ایجاب می‌کند تا حتی المقدور برای پیشگیری و سرکوب جرایم و تخلفات از تمامی ظرفیت‌های اجتماعی استفاده شود. مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در فرآیندهای کیفی یکی از این ظرفیت‌ها است. بنابراین می‌توان گفت، مشارکت مردم به عنوان سازمان‌های مردم‌نهاد مستقل از دولت در کنار سازمان‌های دولتی در حمایت از حقوق ورزشکاران تاثیر بسزایی دارد. امروزه موفقیت چشمگیر این سازمان‌ها بیش از پیش خود را نشان داده و در بسیاری از موارد باعث همکاری ملت‌های مختلف و حل بحران‌های موجود شده است و به ویژه کشورهای دموکراتیک و آزاد توانسته‌اند از وجود این نهادها استفاده فراوانی کنند و در عین حال بستر کافی برای رشد و عملکرد بهتر آن‌ها مهیا نمایند، هر چند که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه مشکلات بسیاری بر سر راه این سازمان‌ها می‌باشد.

اگر بخواهیم به طور کلی یکی از دلایل و قابلیت‌های تشکیل سازمان‌های مردم نهاد را بیان نمایم مشارکت در امر پیشگیری و کاهش دادن به جرایم و تخلفات می‌باشد. اتخاذ رویکردهای مشارکتی صحیح، سازنده و واقعی در کلیه عرصه‌ها از جمله سیاست جنایی، نیازمند شناخت مفهوم مشارکت و الزامات و کارکردهای آن است. بنابراین به نظر می‌رسد آنچه امروزه از اهمیت بیشتری برخوردار است چگونگی و میزان مشارکت است نه خود مشارکت زیرا خیلی از سازمان‌ها و نهادهای حکومتی در ظاهر امر به مسئله به کارگیری رویکردهای مشارکتی هر چند بیشتر سطحی و کم عمق‌تر، چندان مخالفتی ندارند و در این میان همانطور که اشاره شد نحوه مشارکت و میزان آن است که باید مورد بررسی و دقت قرار گیرد. بی تردید مشارکت طلبی یک روی سکه است که در روی دیگر آن مشارکت جویی قرار دارد. به عبارت دیگر برای تحقق یک رویکرد مشارکتی صحیح و سازنده علاوه بر این که لازم است مقام‌های مسئول با ایجاد ساختارهای مشارکت طلبانه، زمینه را برای مشارکت هر چند بیشتر و موثرتر فراهم کنند. در مقابل مردم و نهادهای مردمی نیز باید کشش و گرایش به مشارکت را در خود پروراند و بروز دهند و این دو تأثیری متقابل بر یکدیگر دارند که بررسی آن و به طور کلی کنکاش در زمینه عوامل موثر بر مشارکت و یا کناره‌گیری اجتماعی مردم فرصتی دیگر می‌طلبد (بابایی، نجیبیان، ۱۳۹۰).

سازمان‌های مردم نهاد جایگاه رفیعی در مشارکت‌های مردمی و سیاست جنایی مشارکتی دارند و می‌توانند مشارکت مردم در عرصه‌های مختلف را نهادینه و سازماندهی کرده و تعمیق و گسترش دهند. امروزه ارتباط مردم با حکومت و دستگاه‌های دولتی بیشتر از طریق این نهادهای موثر مدنی صورت می‌گیرد و بدین لحاظ وجود آن‌ها از مظاهر و لوازم اصلی و اساسی جامعه مدنی در دنیای امروزه به شمار می‌رود و تعداد و گستردگی آن‌ها معیار سنجش مشارکت‌های مردمی در جوامع مختلف قلمداد می‌شود. این نهادها امروزه در برنامه‌های پیشگیری از جرم و کاهش تخلفات در کشور جایگاه برجسته‌ای دارند به نحوی که از ارکان اصلی و اعضای فعال شوراهای پیشگیری از جرم آن‌ها در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی محسوب می‌شوند.

در عصر حاضر یکی از عواملی که نظم عمومی و توسعه کشورها را با چالش روبه رو می‌کند جرایم و تخلفات مختلفی می‌باشد که یک سری از افراد دست به ارتکاب آن‌ها می‌زنند. این گونه جرایم و تخلفات باعث اختصاص یافتن بخش عظیمی از بودجه کشورها در جهت کاهش میزان وقوع آن می‌شود و این گونه آسیب‌ها سبب می‌شود که کشورها از مسیر شکوفایی و توسعه خود دور شوند. از آنجایی که تجربه ثابت کرده است، دولت‌ها هرگز به تنهایی قادر به انجام چنین امری نبوده و نیستند و همچنین با مطرح شدن مباحث نظری و تجربیات علمی در خصوص تأثیر مشارکت‌های مردمی در افزایش بازدهی طرح‌های دولتی ضرورت استمداد از جامعه‌ی مدنی برای مشارکت در امر پیشگیری از جرم غیر قابل اجتناب به نظر می‌رسد. امروزه کشورهای مختلف متناسب با میزان توسعه یافتگی خود سهمی را برای مشارکت‌های مردمی در سیاست جنایی خود در نظر می‌گیرند.

در ایران سازمان‌های مردم نهاد سنتی که ریشه‌ای در فرهنگ و سنت ملی ما دارند مانند انجمن‌های خیریه از سابقه طولانی برخوردار هستند. اما اگر بخواهیم در مورد سازمان‌های مردم نهاد نوین و امروزی که دارای اساسنامه و هویت ثبتي مشخص هستند صحبت کنیم به دوره‌ی پس از انقلاب مشروطیت و قانونگذاری ایران بر می‌گردد. سازمان‌های مردم نهاد امروزی که مطابق الگوهای جدید و بین‌المللی در جهان تشکیل شده‌اند بیشتر بر برنامه‌های توسعه و پیشگیری از جرایم و تخلفات تأکید دارند و در سال‌های اخیر نیز در زمینه‌های ورزشی سازمان‌های مردم نهاد بسیاری به وجود آمده است که روز به روز روندی روبه رشد پیدا می‌کنند.

اگر بخواهیم اولین و تأثیرگذارترین گام جهت کاهش جرایم و تخلفات را بیان کنیم، آموزش و اطلاع رسانی می‌باشد. زیرا بنا به گفته قدیمی‌ترین مکتب کيفری در غرب یعنی مکتب کلاسیک برای این که مردم ضرورت حفظ

قرارداد اجتماعی را درک کنند به آموزش نیاز دارند مطابق گفته «سزار بکاریا» از پیشگامان این مکتب آموزش آگاهی را همراهی می‌کند (عبداللهی، ۱۳۹۶). اگر چه به موجب قانون اساسی و قوانین و مقررات موجود، وظیفه تأمین آموزش رسمی و عمومی عمدتاً بر عهده دولت و نهادهای حکومتی قرار دارند اما شکی نیست که جامعه‌ی مدنی نقش و سهم مهمی در این زمینه ایفا می‌کند و نهادهای اجتماعی مختلفی از قبیل خانواده، مدرسه، مسجد، سازمان‌های مردم‌نهاد و رسانه‌های گروهی این کارکرد جامعه‌ی مدنی را برآورده می‌سازند.

بدون تردید آموزش و اطلاع‌رسانی به ورزشکاران و عموم مردم توسط این سازمان‌ها می‌تواند نقش موثر در کاهش جرایم و تخلفات ورزشی داشته باشد و آن‌ها را از ورطه تخلفات دور کند. البته این آموزش‌ها و اطلاع‌رسانی‌ها بهتر است هدفمند و جهت‌دار باشد و علاوه بر آموزش عمومی، آموزش‌های تخصصی به ویژه آموزش ساده مسائل و موضوعات حقوقی ورزشی در راستای کاهش جرایم و تخلفات ورزشی نیز به افراد علاقه‌مند داده شود.

در مورد نقش سیاست‌گذاران و مدیران ارشد در کاهش جرایم و تخلفات ورزشی می‌توان بیان کرد که، مبنای سیاست‌گذاری در ورزش، موضوعی جدا از کلیت سیاست‌های یک نظام نیست. مشارکت سیاست‌گذاران در حوزه ورزش برای پیشگیری و کاهش جرم، فقط پیش‌بینی تدابیر ماهوی پیشگیرانه نیست، بلکه باید ساختار و آیین مناسب برای عملیاتی کردن آن نیز طرح ریزی شود (Wright, Wells, 1993). چه این که نبود تشکیلات منسجم و آیین و ترتیبات منظم، اجرای تدابیر ماهوی پیشگیرانه را با چالش و چه بسا با شکست مواجه می‌سازد. موفقیت سیاست‌ها و برنامه‌های پیشگیرانه در گرو اتخاذ تدابیر، تشکیلات و تشریفات مناسب است زیرا کاستی و نارسایی در فرآیند اجرای تدابیر پیشگیرانه، اسباب دست یافتن به هدف‌ها را چالش‌پذیر می‌سازد و چه بسا به نقض شماری از حق‌های بنیادی شهروندان مثل تعرض به حریم خصوصی افراد بینجامد. از این رو، ترسیم ساختار و فرآیند مناسب برای به اجرا درآوردن سیاست‌ها و برنامه‌های پیشگیرانه از بایسته‌های موفقیت در پهنه سیاست‌جایی است. بر همین اساس، مؤسسان قانون اساسی در زمینه چگونگی اجرای این تدابیر و در واقع درباره شکل و مدیریت پیشگیری از جرم، سیاست‌گذاری کرده‌اند. همچنین جرایم و تخلفات موجود در هر جامعه‌ای همواره به نظم عمومی صدمه وارد می‌سازد و سیاست‌های مهار این جرایم در هر جامعه‌ای، بخش مهمی از سیاست‌گذاری‌های کلان کشور را تشکیل می‌دهد. با توجه به اینکه ارتکاب جرم همه بخش‌های جامعه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، مسلماً همه نهادهای حکومتی باید در زمینه کاهش این جرایم و تخلفات مشارکت داشته باشند. به همین منظور، مشارکت همه نهادهای دولتی و مردمی در زمینه کاهش جرایم و تخلفات ضروری است و نمی‌توان صرفاً یک نهاد یا سازمان خاص را متولی این امر دانست. زیرا این گونه اقدامات می‌تواند سازمان‌ها و نهادهای مختلفی را در برگیرد، از قبیل مجلس شورای اسلامی، دولت، قوه قضاییه و البته نهادهای تابعه آن‌ها که برای درک بهتر سیاست‌گذاری در زمینه‌ی کاهش جرایم و تخلفات ورزشی باید نقش هر یک از نهادهای اصلی سیاست‌گذاری در این راستا بیان شود.

در ابتدای این قسمت، باید متذکر شد که یک‌سری از اقدامات باید در جامعه جهت‌آشنایی با جرایم و تخلفات ورزشی از همان دوران کودکی در مدارس آموزش داده شود؛ زیرا مدرسه در پرورش شخصیت و اجتماعی شدن افراد بسیار تأثیرگذار است و افراد در این عرصه، علاوه بر سواد آموزشی، با هنجارهای بنیادی جامعه آشنا می‌شوند و چگونگی برخورد با مناسبت‌های اجتماعی را فرا می‌گیرند (Siegel, Larry. J, 2015). متأسفانه این موضوع در آموزش و پرورش کشور نادیده گرفته می‌شود و توجه به این مسئله، سبب آشنایی افراد در همان مراحل ابتدایی به این اقدامات بوده چرا که آگاهی از عواقب کار خود یکی از مصادیق تدابیر پیشگیرانه در زمینه‌ی کاهش جرایم و تخلفات ورزشی است. اولین اقدامی که دولت در این حوزه باید انجام دهد آموزش تخلفات و جرایم ورزشی در دوران تحصیلی و از همان نوجوانی است. دولت و زیرمجموعه آن، آموزش و پرورش، باید در سیستم آموزشی خود، بعضی از تخلفات

را به محصلان آموزش دهند و مفاهیمی راجع به عوارض و عواقب این گونه از جرایم و تخلفاتی را که ممکن است با آن روبه رو شوند را در کتب درسی خود بگنجانند.

وظیفه قانونگذاری در کشور ما بر اساس قانون اساسی، بر عهده مجلس شورای اسلامی نهاده شده است. قانونگذاری توسط مجلس انجام می‌شود اما در فرآیند تهیه و تنظیم یک پیش نویس قانونی تا تصویب آن، تحقیقات علمی، افکار عمومی، روشنفکران، گروه‌های ذی نفوذ اجتماعی، سازمان‌های مستقل، احزاب و رسانه‌های گروهی در آگاه سازی مردم نقش مهمی را بر عهده دارند (باصری، ۱۳۹۳).

همان گونه که بیان شد مهم ترین و اصلی ترین وظیفه قوهی مقننه، وظیفه قانون گذاری است و این وظیفه در حوزه ورزش بسیار مهم و تاثیرگذار است به همین منظور مجلس باید در زمینه‌های مورد نیاز ورزشی اقدامات مقتضی و مهمی را انجام دهد و در تدوین قوانین مربوط به جرایم و تخلفات ورزشی خلاءها و کاستی‌های موجود را پیدا کرده و قوانین جدید و به روز شده‌ای را وضع نماید. همچنین طرح‌ها و لوایح قانونی که در زمینه‌های ورزشی به مجلس فرستاده می‌شود را فوریت بخشد و جهت بررسی هرچه سریع تر آن‌ها اقدام کنند و در جاهایی هم که نیاز به قرار دادن بودجه‌های لازم جهت اجرایی کردن این طرح‌ها می‌باشد با دقت عمل بیشتری برخورد کنند. زیرا این گونه موارد می‌تواند نقش موثری در بسیاری از زمینه‌های ورزشی داشته باشد که یکی از این موارد کم کردن جرایم و تخلفاتی است که در حوزه ورزش رخ می‌دهد.

پیشگیری از بزهکاری به مشارکت همه جانبه کلیه نهادها نیازمند است.^۱ طبق بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اقدام مناسب برای پیشگیری از جرم وظیفه قوهی قضاییه دانسته شده است. با توجه به بند ۴ این اصل به نظر می‌رسد که قانونگذار در بند مزبور به دنبال پیشگیری غیر کیفری بوده است (بیات و شرافتی‌پور، ۱۳۸۷). بنابراین طبق اصل ذکر شده قوهی قضاییه نمی‌تواند به تنهایی و بدون همراهی و مشارکت مردم و سایر نهادها در این راستا گام بردارد زیرا ظرفیت‌های این نهاد در زمینه‌ی پیشگیری از بزهکاری محدود بوده و از رهگذر آن‌ها نمی‌توان بر همه عوامل جرم زا تأثیر گذاشت. به هر جهت، ارتکاب بزهکاری به عوامل متعددی وابسته است که سیاست گذاری و برنامه‌ریزی ناظر به آن‌ها از حیث قانونی و همچنین نداشتن امکانات از دستگاه قضایی بر نمی‌آید. از دیدگاه دیگر هم می‌توان گفت، قوهی قضاییه تنها پس از وقوع جرم وارد عمل می‌شود و وظیفه پیشگیری از جرم پیش از وقوع را بر عهده ندارد زیرا پیشگیری در این معنا بر عهده مقامات اجرایی است. قوهی قضاییه برای پیشگیری از وقوع جرم نقش مدیریتی دارد و سیاست گذاری می‌کند، اما اجرای سیاست‌ها بر عهده نهادهای اجرایی است (همان: ۱۲۷-۱۲۸).

در زمینه‌های ورزشی نیز، قوهی قضاییه ضمن ارائه راهکارهای پیشگیری از جرم در خصوص تقویت فعالیت‌های ورزشی و سلامت ورزش برای آحاد جامعه و همچنین اقدامات مقتضی به جهت ممانعت از اقدامات غیر قانونی و فعالیت ناسالم، در بسیاری از شهرها دست به تدوین و شیوه نامه کمیته سلامت و ورزش نموده است. همکاری قوهی قضاییه با اداره کل ورزش و جوانان و مسئولین محترم بازرسی و حراست، با مشارکت فعال مردم و نیروهای فعال در هیات‌های ورزشی که بدون هیچ چشم داشتی حاضر به همکاری هستند، بسیار در زمینه‌ی کاهش جرایم ورزشی کارساز خواهد بود و سلامت محیط‌های ورزشی را از گزند متخلفان مصون خواهد کرد.

با توجه به این که پیشگیری از جرم قوهی قضاییه به اصل ۶۱ قانون اساسی محدود است، طبیعی است که قوهی مجریه به عنوان متولی اصلی انواع پیشگیری از جرم در کشور عملاً وارد صحنه شود و از طریق سازمان‌های مختلف در جهت کاهش جرایم اقدام کند. بزهکاری در ورزش همواره به نظم عمومی صدمه وارد می‌سازد و مهم ترین دلیل حضور قوهی مجریه در عرصه ورزشی حفظ نظم عمومی جامعه است. زیرا ارتکاب جرم نظم عمومی جامعه را مختل نموده و ریشه در شرایط نامناسب اجتماعی دارد. قوهی مجریه علاوه بر وظیفه تأمین امنیت جامعه و حفظ نظم، نقش

1. Un, Handbook on the crime prevention guidelines (making them work), UN publication, , 2010, p. 22.

موثری در ایجاد رفاه اجتماعی و کاهش مشکلات و آسیب‌های اجتماعی ایفاء می‌نماید. در واقع، دولت با انجام وظایفی که طبق اصول ۲۸ تا ۳۱ قانون اساسی بر عهده دارد، در حذف بسترهای ارتکاب جرم مشارکت می‌نماید.

پیشگیری اجتماعی با ایجاد تغییر و اصلاح در افراد و شرایط اجتماعی، به دنبال کاهش ارتکاب جرم به صورت پایدار و همیشگی است و با بهره‌گیری از تدابیر مختلف در صدد اثرگذاری بر تکوین شخصیت افراد است (نیازپور، ۱۳۸۲). یکی از مهم‌ترین برنامه‌های دولت در امر پیشگیری اجتماعی در ورزش ایجاد تمهیدات و فرایندهای امنیتی لازم در اماکن اجتماعی - ورزشی (به خصوص ورزشگاه‌ها)، است که جایگاه ویژه‌ای در برنامه‌ریزی دولت و برگزار کنندگان رویدادها و رقابت‌های بزرگ و بین‌المللی دارد. امروزه دولت و سایر نهادهای وابسته به آن به خصوص نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که بر اساس قسمت د از بند ۸ ماده ۴ قانون تاسیس خود، مصوب ۱۳۶۹ عهده دار پیشگیری از جرم است و در پی یافتن راهکارهایی برای مقابله و کاهش دادن حوادث و جرایم پیشبینی نشده در زمینه‌های مختلف ورزشی هستند. با توجه به این که ناآرامی و خشونت در ورزش، یکی از موارد اغتشاش اجتماعی محسوب می‌شود؛ این موضوع وجود یک نوع بحران را در جامعه گوشزد می‌کند که باید تحت کنترل درآید؛ زیرا اغتشاش، یک نوع اقدام شورش است که با ایجاد اختلال و بی‌نظمی، کارکرد حاکمیت را زیر سؤال می‌برد. از آنجا که مجموعه‌ای از عوامل سبب بروز پدیده خشونت در ورزش می‌شوند؛ مدیریت و کنترل آن مستلزم اتخاذ تدابیر پیشگیرانه و مقابله‌ای است نقش پلیس در مدیریت انتظامی امنیت و پیشگیری از ناآرامی‌های ورزشی، بسیار مهم و تعیین کننده است که با مدیریت مناسب، می‌تواند از بروز برخی از پرخاشگری و ناهنجاری‌های ورزشی جلوگیری کند. بسیاری تصور می‌کنند که پلیس و مسئولان در یک رویداد ورزشی، بخشی از پشت صحنه اصلی هستند و مسابقات بدون آن‌ها، مطلوب و ایمن برگزار نخواهد شد. پلیس و مسئولان امنیتی ورزش، واقعا نقش به‌سزایی در امنیت یک فعالیت ورزشی ایفا می‌کنند؛ برقراری نظم و امنیت تماشاگران، جلوگیری از ازدحام جمعیت در ورزشگاه‌ها، حفاظت از تماشاگران در تمامی مراحل برگزاری مسابقات، سالم نگهداشتن وسایل نقلیه و اتوبوس‌های مملو از تماشاگران، امنیت اماکن، تأسیسات و تجهیزات ورزشگاه‌ها در رویدادهای ورزشی از نظر عملی و اجتماعی، فرایند بسیار پراهمیتی است که بر عهده آنان است و از ارکان اصلی برگزاری مناسب رویدادهای ورزشی و از همه مهم‌تر، باعث رشد صنعت ورزش خواهد شد.

نقش مدیران ارشد در کاهش جرایم و تخلفات ورزشی

مدیریت در ورزش شاید در نگاه نخست و از دید عموم، ساده‌ترین کار محسوب می‌شود که بسیاری از مردم در پی نتایج ورزشی و یا در سطوح قهرمانی و بین‌المللی به سادگی و پیش از هر موضوع دیگر، مدیران آن رشته را نقد می‌کنند و بیشترین مسائل را به پای مدیر می‌نویسند. اما واقعیت این است که مدیریت ورزشی متاثر از ویژگی‌های بسیار از جمله شخص مدیر است و امروزه، در بسیاری از محافل ورزشی نقادی آن بسیار شایع است. مدیران ارشدی که در رأس سازمان‌های ورزشی کشور قرار می‌گیرند، باید دیدگاه فنی و مشارکتی نسبت به ورزش داشته باشند و همچنین در تمام سطوح مختلف برنامه‌ریزی، سازماندهی مناسب، کارگزینی درست، هماهنگی و بودجه‌ریزی و گزارش‌دهی دقیقی داشته باشند. شواهد نشان می‌دهد که کشورهایی که در زمینه‌ی کاهش جرایم و تخلفات ورزشی موفق بوده‌اند برای رسیدن به اهداف خود ابتدا برنامه‌ریزی و روش‌های اجرای آن را طراحی کرده‌اند. مدیران ورزشی ما نیز باید ابتدا اهداف خود را بر اساس بودجه، منابع مالی و انسانی موجود تعریف کنند و روش اجرایی مناسبی برای آن به دست آورند و سپس گام در این راه بگذارند. همچنین باید ابتدا بررسی کنند که در کشور ما کدام یک از ورزش‌های مشارکتی یا همگانی مقدم و یا اینکه هر کدام در نوع خود در اولویت هستند و سپس برای آن‌ها برنامه‌ریزی دقیقی در زمینه‌ی کاهش جرایم و تخلفات آن رشته نمایند. در این برنامه‌ریزی‌ها به طور حتم زمان‌بندی بسیار حائز اهمیت است.

همچنین نظارت و ارزشیابی از مواردی است که در هر مرحله باید اعمال شود، تا اگر در پایان برنامه‌ریزی به اهداف خود نرسیدیم علت را شناسایی کنیم و بدانیم که علت نرسیدن‌ها چه بوده و در کدام مرحله اتفاق افتاده است. در کشورهای پیشرفته هدف‌گذاری‌ها در زمینه‌های کاهش جرایم از طریق مشارکت دنبال می‌شود که در این راه بر روی منابع انسانی سرمایه‌گذاری‌های ویژه‌ای می‌شود و با یک مدیریت خوب می‌توان بهترین نتیجه را در زمینه‌ی کاهش جرایم شاهد بود. برای ایجاد برنامه‌های مشارکتی در فدراسیون‌های ورزشی باید کمیته‌های آموزش فدراسیون‌ها نظارت و کنترل‌های لازم و برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت طراحی کنند و بر اساس مسائل مختلفی که در حوزه تخلفات ورزشی به وجود می‌آیند هدف‌گذاری کنند تا برنامه‌ها از مسیر خود منحرف نشود.

در مورد نقش مردم در کاهش جرایم و تخلفات ورزشی در نگاهی ساده به موضوع مطرح شده شاید بتوان بیان کرد که نقش مردم بسیار کم‌رنگ‌تر از نقش دیگر موارد موثر باشد، ولی از لحاظ فرهنگی موثرترین نقش همان نقش مردم است. ورزشکاران و تمام افراد ورزشی از قشر مردم هستند و سوای جامعه به حساب نمی‌آیند. در واقع مسائل این چینی با فرهنگ سازی بسیار ریشه‌ای‌تر حل می‌شود تا با استفاده از سایر راه‌ها، تمامی مردم در قبال سلامت جامعه موثرند. همان‌گونه که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «کَلِّمُوا رَاعٍ، وَ كَلِّمُوا مَسْئُولًا عَنْ رَعِيَّتِهِ» که یعنی «هر کدام از شما مسئول هستید و درباره‌ی افرادی که به سخن شما گوش می‌دهند، مسئول هستید» پس مردم باید برای اصلاح جامعه قدم بردارند و این قدم شاید موثرترین باشد، با توجه به آنچه که گفته شد نقش و شیوه‌های تاثیرگذار مردم در زمینه‌ی کاهش جرایم و تخلفات ورزشی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

در مورد نقش رسانه‌ها در کاهش جرایم و تخلفات ورزشی بدین صورت می‌توان عنوان کرد که در عصر حاضر یکی از مهم‌ترین ابزارها در جهت فرهنگ‌سازی و کاهش جرایم و تخلفات، رسانه‌های جمعی می‌باشد. زیرا عصر حاضر به عصر اطلاعات و ارتباطات معروف است و مردم بیشتر از طریق رسانه‌ها الگو برداری می‌کنند. به همین دلیل اکثر جرم‌شناسان، جامعه‌شناسان و متولیان نظم و امنیت اجتماعی بر نقش موثر آن در بین مردم اعتقاد ویژه‌ای پیدا کرده‌اند. جرم‌شناسان، وسایل ارتباط جمعی را در ذیل عوامل اجتماعی یا محیط انتخابی یا اتفاقی جرم بررسی کرده، بر نقش‌های دوگانه آن در وقوع جرم یا پیشگیری از آن تأکید دارند و معتقدند این ابزار در پرورش یا انحراف افکار عمومی نقش مهمی را ایفا می‌کند. بنابراین ماهیت رسانه‌های جمعی به گونه‌ای است که برای جذب مخاطب ناگزیرند مفاهیم مورد نظر و واقعیات را اغراق‌آمیز یا تحریف‌آمیز ارائه دهند و رسانه‌ها با انتخاب موضوع حوادث و چگونگی انتقال مفاهیم و پیام‌ها به مردم، نقش مؤثر در تعیین اشکال و محدوده جرم و انحرافات اجتماعی برعهده دارند. هدف این مبحث شناخت آثار مثبت و منفی رسانه‌ها و همچنین نقش مشارکتی آن در بین مردم می‌باشد؛ که با استفاده بهینه و مناسب از رسانه‌ها می‌توان در کاهش جرایم و تخلفات ورزشی به عنوان یک عامل مؤثر در جامعه استفاده کرد.

ارتباطات نقش مؤثری در انتقال دانش، مهارت، نگرش‌ها و اطلاعات در سطح جامعه برعهده دارد و در سال‌های اخیر تبلیغات به بخشی از پیکره‌ی ارتباطات عمومی تبدیل شده است. با توجه به اثر ورزش در ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی و اهمیت توسعه‌ی آن در سطح ملی و نقش واسطه رسانه در این مهم، شناخت نقش رسانه در توسعه ورزش و برنامه‌ریزی‌های مناسب برای آن ضرورت پیدا کرده است (قاسمی: همان). برای توسعه و گسترش ورزش ما به تبلیغ و ترغیب نیاز داریم. گسترش و مشارکت در توسعه‌ی ورزش، بدون انگیزه ممکن نیست. برای دستیابی به این منظور رسانه‌ها باید انگیزه‌های صحیح و عقلانی مخاطبان را شناسایی کنند. مخاطبان رسانه‌ها معمولاً، اطلاعات مورد نیاز خود را از منابعی می‌گیرند که با افکار و اعتقاداتشان، همسو است. یعنی پیام‌گیران و مخاطبان برنامه‌ای را تماشا می‌کنند و مطلبی را نمی‌خوانند، مگر آن‌که آن را دوست داشته باشند (فتحی‌نیا و عزیزاده، ۱۳۸۴).

رسانه‌های گروهی نقشی مؤثر در تغییر نگرش افراد جامعه نسبت به ورزش دارند و هرچه این نقش با توجه به ملاحظاتی چون شناخت نیازها، روش‌های مؤثر ارتباطی و رویکردهای روانشناختی صورت پذیرد، اثرگذارتر خواهند بود (کوهن، ۱۳۹۸). وسایل ارتباط جمعی می‌تواند در توسعه با انتشار و گسترش اندیشه‌های نو در بیداری وجدان عمومی و تنویر افکار عمومی، نقش مؤثر، آموزش دهنده و رهبری کننده ایفا کنند. دنیای جدید رسانه‌ها، کارکردهای جدیدی را برای ورزش ایجاد نموده‌اند. این مسئله تا جایی پیش رفته است که امروزه در تماشای یک بازی فوتبال، بیش از نیمی از مردم جهان تماشاگرند و این در حالی است که شاید بیشتر آن‌ها فوتبال بازی نمی‌کنند. رسانه‌ها واسطه انتقال ورزش به تماشاگران شده و ورزش مدرن به حوزه‌ی فرهنگ عمومی وارد شده است. لذا مفهوم جدیدی از ورزش شکل گرفته و ابعاد و کارکردهای متفاوت اجتماعی ورزش پدیدار شده است (فرودر، ۱۳۸۰). بیشتر مردم از طریق تلویزیون، رادیو و مطبوعات با ورزش ارتباط برقرار می‌کنند و سهم این رسانه‌ها در زندگی برخی از طبقات اجتماعی مثل کارگران بسیار بالاست (جعفری، ۱۳۸۱). گفتمان سازی از دیگر کارکردهای مهم رسانه‌ها در عرصه ورزش است، گفتمان‌سازی حول محورهایی از جمله ورزش و همبستگی اجتماعی، ورزش و سلامت، ورزش و صلح جهانی، نقش ورزش در گسترش ارتباطات اجتماعی می‌تواند به تعمیق بخشی و اصالت یافتن کارکردها و تأثیرات ورزش و فراگیر نمودن آن کمک نماید.

به طور کلی می‌توان بیان کرد که ورزش یک پدیده اجتماعی است و به طور مستقیم به افراد جامعه باز می‌گردد. بیشتر مردم از طریق وسایل ارتباطی با ورزش رابطه برقرار می‌کنند و با توجه به وظایف رسانه‌ها، وسایل ارتباطی در راستای وظایف خبری و آموزشی خود، اخبار و رویدادها و وقایع ورزشی را به اطلاع مخاطبان خود می‌رسانند و از طرف دیگر اطلاعات لازم برای آموزش و فراگیری رشته‌های مختلف ورزشی را در اختیار آن‌ها قرار می‌دهند و نیز دستاوردهای جدید علمی و ورزشی، قوانین و قواعد جدید ورزشی را به مخاطبان می‌آموزند. این‌گونه وسایل در مقاطع حساسی که رقابت‌های مهم ورزشی انجام می‌شود، وظیفه‌ی راهنمایی و رهبری را به عهده دارند، به گونه‌ای که چگونگی برخورد مردم با یک واقعه ورزشی یا پس از آن بر عهده آن‌ها است. مثلاً افکار عمومی را پس از شکست‌ها و ناکامی‌های ورزشی بین‌المللی، با تحلیل‌های کارشناسانه و نقدهای منصفانه به آرامش دعوت می‌کنند و یا مردم را برای حضور در ورزشگاه و تشویق تیم‌های ملی تحریک می‌کنند. برنامه‌های ورزشی وسایل ارتباط جمعی نقش مهمی در سرگرمی و تفریح مخاطبان دارند. هدف اکثر مخاطبان از تماشای برنامه‌های ورزشی تلویزیون، تفریح و سرگرمی بوده است. معرفی باشگاه‌های ورزشی، بازیکنان ورزشی، معرفی آن‌ها و سبک زندگی آن‌ها را می‌توان جزو وظایف تبلیغی وسایل ارتباط جمعی دانست. بنابراین رسانه‌های جمعی به عنوان یکی دیگر از وظایف خود می‌توانند در نظارت و کنترل جرایم و تخلفات ورزشی با دستگاه‌های متولی این امر تعامل و همکاری داشته باشند. این رسانه‌ها همچنین می‌توانند بر تصویری که افراد از تخلفات دارند تأثیر بگذارند و نوعی تلقی خاص از بزهکاری را به مردم تحمیل کنند. اگر رسانه‌ها صادقانه سطح اطلاعات عامه را در مورد جرایم و تخلفات ورزشی و قبح آن بالا ببرند و اطلاعات مردم را در مورد علل تخلفات ورزشکاران، وسایل مبارزه علیه آن و وسایل علمی پیشگیری، بیشتر شود، پیشگیری بهتر تأمین خواهد شد. اما در صورتی که رسانه‌ها اهداف خاصی را دنبال کنند و توجهی به مسئله جرایم ورزشی و امنیت مسابقات نداشته باشند در این صورت گاهی خود زمینه تشدید خشونت‌ها در میادین ورزشی را فراهم می‌کنند. به تحلیل ژرژ پیکا «رسانه‌های گروهی بی‌طرف نیستند» انتشار بی‌رویه اخبار بزهکاری در میان مردم از حساسیت آنان می‌کاهد و جرم قبح خود را از دست داده، آن سرزنش لازم را به دنبال نخواهد داشت، لذا نظارت عمومی که در پیشگیری وضعی دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای است و باید زمینه‌های آن فراهم شود روز به روز تضعیف خواهد شد.

منابع

- آقایی نیا، حسین. (۱۳۹۶). *حقوق ورزشی*، چاپ چهاردهم، تهران: نشر میزان.
- بابایی، محمدعلی و نجیبیان، علی. (۱۳۹۰). چالش‌های پیشگیری وضعی از جرم، *نشریه حقوقی دادگستری*، ۳ (۷۵)، ۱۴۷-۱۷۲.
- باصری، علی اکبر. (۱۳۹۳). *سیاست جنایی قضایی کودکان و نوجوانان در حقوق داخلی و اسناد بین‌المللی*، تهران: نشر خرسندی.
- بیات، بهرام و شرافتی پور، جعفر. (۱۳۸۷). *پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماع محور*، تهران: معاونت اجتماعی ناجا.
- جعفری، سعید. (۱۳۸۱). ورزش رسانه‌ای، *ماهنامه فرهنگ عمومی*، ۳ (۳۲)، ۱۱۷-۱۲۷.
- حمیدی، مهرزاد. (۱۳۹۵). *مدیریت سازمان‌های ورزشی*، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ پنجم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دارابی، مهری، گائینی، عباسعلی و مومیوند، پروانه. (۱۳۸۸). بررسی عوامل فرهنگی موثر بر گرایش به فعالیت‌های ورزشی زنان ۲۵ تا ۴۰ سال شهر تهران، *مطالعات مدیریت ورزشی*، ۳ (۲۴ پایانی)، ۷۷-۸۸.
- عبدالهی، سامان. (۱۳۹۶). نقش سازمان‌های مردم نهاد در پیشگیری مشارکتی از جرایم ممانع اطفال، *فصلنامه علمی- پژوهشی علوم اجتماعی*، ۱۱ (ویژه‌نامه پیشگیری از جرم و حقوق)، ۱-۲۶.
- عظیمی، محمد کاظم. (۱۳۹۷). نقدی بر حقوق ورزشی در مدارس، *بازیابی شده از سایت رشد آموزش تربیت بدنی*، بازیابی در تاریخ ۱۴۰۰، از <https://mag.roshdnet.ir/tarbiatbadani/Articles>.
- فتحی نیا، محمد و عزیزاده، عبدالرحمن. (۱۳۸۴). خشونت گرایان تماشاگران فوتبال و نقش رسانه‌ها در کنترل آن، *نشریه پژوهش و سنجش*، ۱۲ (۴۲)، ۸۱-۱۰۵.
- فرودر، حسین. (۱۳۸۰). جوانان، ورزش و رسانه‌ها، *ماهنامه فرهنگ عمومی*، ۳ (۲۶)، ۱۳-۲۲.
- کوهن، آرتور. (۱۳۹۸). *تغییر نگرش و تأثیر اجتماعی*، ترجمه: علیرضا کلدی، چاپ ششم، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- مددی، احمد. (۱۳۸۵). *نگاهی به اهمیت ورزش در زندگی صنعتی و نقش مدیران ارشد در نهادینه کردن ورزش*، *نشریه دانش نفت*، بازیابی شده در تاریخ ۱۴۰۰، از <https://daneshenaft.ir/cid/CMSContent/content>.
- نیازپور، امیر حسین. (۱۳۸۲). *بررسی پیشگیری از بزهکاری در قانون اساسی ایران و لایحه قانون پیشگیری از وقوع جرم*، *مجله حقوقی دادگستری*، ۴۵، ۱۲۵-۱۵۹.

References

- Siegel, L. J. (2015). *Criminology: Theories, patterns, and typologies*. Belmont, CA, United States: Thomson and Wad worth Publication
- United Nations (2010). *Handbook on the crime prevention guidelines-Making Them Work*. Tokyo: UN Publication.
- Wright, H. A. & Wells, D. K. (1993). *Crime prevention standards: A guide for Virginia law enforcement agencies*. United States of America: Virginia crime prevention association publication.